

معرفی و نقد کتاب
«شهر خدای آگوستین»

O'Dally (2004), Augustine 's City of God, Londen: U.CL.

دکتر محمدرضا احمدی طباطبایی *

۱. کلیات

آگوستین قدیس (۳۵۴-۴۳۰م) یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین متفکران و خردورزان مسیحی با دانشی جامع و ایمانی استوار به تعالیم مسیحیت در تاریخ اندیشه‌های کلاسیک سیاسی و مذهبی محسوب می‌شود. کتاب مشهور وی «شهر خدا» (The City of God) شاهکار اصلی او در دفاع از تعالیم مسیحیت و تبیین جوهر معنوی و لب‌اللباب تفکر مسیحی آن روز به جهان، کائنات و سعادت و خوشبختی آدمیزادگان دارای اعتباری جهانی است. این کتاب یکی از آثار مهم کلاسیک در تاریخ تفکر سیاسی و مذهبی در غرب شمرده می‌شود. رساله جامع «شهر خدا» نسبت به دیگر آثار آگوستین مانند «تثلیث»، «اعترافات» و «تفسیر تورات» از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا این کتاب به تعبیر جرارد آدالی، نویسنده کتاب، اساس تفکر و جهان‌بینی آگوستین را نسبت به خدا، عالم وجود و چگونگی نیل بشر به سعادت و خوشبختی ترسیم می‌کند و از طرف دیگر، تفسیر و سایه‌ای پراثر در تفسیر کتاب مقدس محسوب می‌شود.

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

۲. اهمیت اثر

نوشته آقای ادالی که متضمن ترجمه و تلخیص و تفسیر مهم‌ترین بخشهای کتاب شهر خدای آگوستین است، از چند جهت حائز اهمیت است:

۱. نخست همان گونه که آقای ادالی اشعار داشته است، این کتاب اولین اثر جامع و راهنمای جدید و منطبق با نیازهای فکری امروزی از کتاب «شهر خدای آگوستین» است. مؤلف به دلیل احاطه به زبان لاتین و بر اساس اهمیت مسائل مطرح‌شده در کتاب موصوف، مهم‌ترین و اساسی‌ترین مباحث مورد مناقشه آگوستین را برگزیده، ترجمه کرده و بررسی کرده است.

۲. وسعت اطلاعات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، ادبی، دینی و فلسفی و منابع مورد استناد آگوستین در کتاب «شهر خدا» چشم‌انداز ژرفی از وضعیت تمدن مغرب‌زمین تا اوائل قرن پنجم میلادی که آگوستین کتاب «شهر خدا» را به پایان برده است، نشان می‌دهد؛ بنابراین، مطالب مورد بحث در رساله مزبور که آقای ادالی با نگرشی نو و موشکافانه برگزیده و گردآوری کرده است، در حوزه‌های مختلف علوم به ویژه دین و سیاست و حکمت مسیحی قابل پردازش است.

۳. نویسنده کتاب در مقدمه اذعان می‌دارد که علی‌رغم آنکه کتاب «شهر خدا» در میان آثار آگوستین بیشترین تأثیر را در حوزه فرهنگ مسیحیت داشته است اما هیچ راهنمای جدید و جامعی جهت فهم مطالب آن به هیچ زبانی نگاشته نشده است. بر همین اساس کتاب مزبور راهنمای سودمند و دقیقی به ویژه در حوزه تاریخ کلاسیک اندیشه سیاسی و مذهبی جهان مسیحیت محسوب می‌شود.

۳. معرفی اثر

این اثر که با ضمائم آن در ۳۲۳ صفحه گرد آمده است، مباحث مهم کتاب «شهر خدا» را در فصول مختلف بررسی شده است. چگونگی و چرایی تألیف کتاب به اقرار آگوستین، تشریح سنت اعتراف به گناه و توبه در مسیحیت، داستان خلقت، هبوط آدم و حوا از بهشت به کره خاکی و سرانجام، تمایز میان شهر خدا (شهر آسمانی ویژه پاکان و پرهیزگاران) و شهر زمینی (شهر گنهکاران و شیطان صفتان) و ترسیم مقصد و منزلگاه

غائی بشر مهم‌ترین بخشهای کتاب مطول «شهر خدا» اثر آگوستین یا اوگوستینوس قدیس را تشکیل می‌دهد.

وقتی آگوستین در سال ۴۱۲ و یا ۴۱۳ م. (بنا بر نقلی دیگر) شروع به نگارش و تألیف کتاب «شهر خدا» کرد، دین مسیحیت حدود یک قرن بود که در امپراتوری روم ریشه دوانده بود. گسترش آیین مسیح در امپراتوری عمدتاً مرهون تلاشهای کنستانتین اولین امپراتور مسیحی بود؛ وی در سال ۳۱۳ م. مسیحیت را در شمار ادیان مجاز به رسمیت شمرد. کنستانتین ابتدا در سال ۳۱۲ م. در نبردی سترگ که به جنگ پل میلوین (Milvian Bridge) معروف شد، بخش غربی امپراتوری را به چنگ آورد و تا سال ۳۲۴ م. فرمانروای تمام امپراتوری شد. هشتاد سال پس از فرمان کنستانتین دین مسیحیت آیین رسمی امپراتوری شد. بنابراین، مسیحیان در طول یک قرن از اقلیتی که مورد آزار و شکنجه قرار داشتند، به جامعه‌ای منسجم و بالنده که روز به روز به تعداد آنان افزوده می‌شد، مبدل شده و صاحب کلیسای رسمی باقدرت شدند. قدرت یافتن کلیسا خود سبب مطرح شدن مسائل مربوط به جایگاه دین و دولت در جامعه و حدود اختیارات هر یک از دو نهاد معنوی و دنیوی شد. اوضاع اجتماعی و سیاسی مردم نیز در اثر مشکلات داخلی امپراتوری روز به روز بدتر و تباہ‌تر می‌شد. سرانجام، در سال ۴۱۰ م. امپراتوری قدرتمند روم در اثر هجوم اقوام وحشی اروپا واژگون و از میان رفت.^۱

نویسنده کتاب «شهر خدای آگوستین» با استناد به گفته‌های آگوستین در کتاب، اشعار می‌دارد که آگوستین کتاب مزبور را در دفاع از دین مسیحیت و تبیین دکترین خود در باره جهان و فرجام انسانها در آن بر اساس تعالیم مسیحیت به نوشته است.

در آن دوران گروهی از رومیان و به تعبیر آگوستین ملحدان، مسیحیت را سرزنش کردند و آن را آماج حمله قرار دادند (p.17). از آنجا که سقوط امپراطوری در فاصله اندکی (حدود بیست و هفت سال) پس از رسمی شدن آیین مسیحیت به وقوع پیوست، مخالفان تعالیم مسیحیت کوشیدند که به تعبیر آگوستین شکست امپراتوری را ناشی از تعمیم مسیحیت در امپراتوری قلمداد کنند و شکست آن را به مسیحیت نسبت

دهند و باز به تعبیر آگوستین به کفرگویی و حرمت‌شکنی نسبت به خدای حقیقی و آفریدگار یکتا مبادرت ورزند.

سقوط امپراتوری نه تنها مخالفان که مسیحیان را نیز به حیرت انداخت و این سؤال و شبهه را در ذهن آنان پروراند که آیا نزدیکی دستگاه دینی مسیحیت به دولت به صلاح دین و به مصلحت امپراتوری بوده است؟

از طرف دیگر، مخالفان و ملحدان شبهه دیگری نیز القاء می‌کردند که مسیحیت با دعوت مردم به توحید و یکتاپرستی و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و تلاش برای رستگاری اخروی و پرهیز از پیکار و جنگ، خوی دشمن‌ستیزی و رزمجویی را در شهروندان رومی از میان برده است.

آقای اُدالی در این کتاب با استناد به گفته‌های آگوستین توضیح می‌دهد که چگونه وی برای رهایی مسیحیت از چنبره تردیدهایی که ذهن شهروندان رومی را آشفته ساخته و مخالفان مسیحیت نیز به آن دامن می‌زدند، کتاب «شهر خدا» را نوشته است. «شهر خدا» در واقع دارای دو بخش عمده است:

در بخش اول، پاسخگویی به شبهات و القانات مخالفان و ملحدان مورد توجه قرار گرفته و در بخش دوم که از اهمیت مضاعفی برخوردار است، دوگانگی زندگی آدمی در این دنیا و تقسیم شهروندان به ساکنان جامعه آسمانی و یا جامعه زمینی مورد توجه واقع شده است.

در بخش نخست آگوستین استدلال می‌کند که فروپاشی امپراتوری ارتباطی با مسیحیت و تعمیم عقاید دینی میان شهروندان رومی ندارد؛ زیرا اولاً مسیحیت با پیکار و ستیز علیه متجاوزان و ستمگران مخالفتی ندارد و به شرط آنکه پیکار ضد ستمگران و ظالمان باشد، آن را در شرایطی نیز واجب می‌شمرد؛ ثانیاً امپراتوری روم به دلیل دوری از عدل و انصاف و دادگری از هم فرو پاشید، به باور او گرایش مردم در امپراتوری روم به مسیحیت صوری و ظاهری بود و ایمان دینی قلبهای مردم را تسخیر نکرده بود. آگوستین توضیح می‌دهد که آنچه که قوام قدرت سیاسی را حفظ می‌کند، عدل و انصاف و نوع دوستی است و برقراری عدالت در میان مردمی که خودپرست و سودجو هستند، امکان‌پذیر نیست.

اما بخش دوم و مهم‌تر کتاب «شهر خدا» که بیانگر آموزه‌های دینی و جهان‌بینی معرفتی آگوستین در باره کائنات و عالم وجود و جامعه انسانی است، تقسیم‌بندی جامعه انسانی به جامعه آسمانی و جامعه زمینی است. این قسمت را آقای ادالی در کتاب خود به خوبی توضیح داده است. پیکار و مبارزه آدمیزادگان در این جهان نیز در کشمکش برای اقامت در جامعه آسمانی با تبعیت از فرامین الهی و پرهیزگاری از یکسو و یا شهروند جامعه زمینی شدن که جامعه‌ای شیطانی و آمیخته با پلستی و ناپاکی است؛ از سوی دیگر می‌باشد. آگوستین، شهر خدا را شهری می‌داند که مردم آن بر طبق برنامه و تعالیم الهی که مسیحیت برای رستگاری در کتاب مقدس مقرر داشته زندگی می‌کنند، در حالی که مردم شهر زمینی، بدون توجه به تعالیم مزبور و صرفاً بر اساس امیال و اقتضات زندگی غیرمعنوی و غیرالهی روزگار می‌گذرانند. آقای ادالی در این کتاب بر اساس آموزه‌های آگوستین در کتاب شهر خدا اشعار می‌دارد که آدمیان در این جهان باید راه خود را انتخاب کنند. آیا تمایل به اقامت در جامعه پاک آسمانی برای یک زندگی جاوید و سعادت‌مندانه در کنار خداوند و پاکان و پرهیزگاران دارند و یا خواستار ادبار به سعادت ابدی و برگزیدن زندگانی شقاوت‌مندانه در کنار شیطان را آرزومندند.

آگوستین به روشنی توضیح می‌دهد که آنچه در این جهان برای شهروندان شهر خدا یا شهر آسمانی ضروری است، آن است که نفس خود را در بوتۀ آزمون‌ها و امتحانات الهی مانند طلا پردازش نموده خالص گردانند. زندگی آسمانی در شهر خدا نیاز به پاکی و طهارت روح دارد. به تعبیر مولوی «باید که جمله جان شوی تا لایق جانان شوی»، آگوستین نیز اشعار می‌دارد که قبل از پاکی و تزکیۀ نفس آرزوی زندگانی در کنار پاکان و قدیسان در جامعه آسمانی امری ناصواب و به دور از استحقاق است.

آگوستین در واقع، کلیسا و آیین مسیحیت را نماینده جامعه آسمانی در این جهان معرفی می‌کند که کار آن آماده کردن آدمیان برای پذیرفته شدن و ورود به جامعه آسمانی یا شهر خداست.

آقای ادالی در بخش پایانی کتاب خود ذیل عنوان «Final Destinations» یا مقاصد غائی توضیح می‌دهد که چگونه آگوستین فرجام این دو شهر را ترسیم می‌کند و در این ارزیابی ضمن نگرشی انتقادی به حکمت غائی در فلسفه باستان تلاش می‌کند

حکمت غائی و منزلگاه بشر را با نگرشی الهی و بر اساس آرمانهای کتاب مقدس تشریح کند. آگوستین در فصول بیست و یک و بیست و دو کتاب شهر خدا مآلاً دوزخیان شوربخت را ساکنان شهر زمینی که نتوانستند با تزکیه نفس و رفتار صالح به شهر خدا راه یابند، یاد می‌کند و سعادتمندان متنعم در جامعه آسمانی را راه‌یافتگان به شهر خدا برای زندگی جاوید و ابدی در کنار پاکان برمی‌شمرد.^۲

۴. نقد کتاب

اثر حاضر، کتاب بسیار ارزنده‌ای در باب معرفی بخشها و فصول مختلف کتاب «شهر خدای آگوستین» است؛ نویسنده کوشیده است با توجه به اشراف به زبان لاتین شخصاً به ترجمه متن کتاب مبادرت ورزد و در عین حال، با تلخیص و تمرکز بر مهم‌ترین مطالب کتاب «شهر خدا» خواننده را با اهم مباحث رساله «شهر خدا» آشنا کند. ترجمه مستقیم متن و فهم صحیح آن توسط نویسنده که خود، استاد و مدرس زبان لاتین است، بر اهمیت و اعتبار علمی و تحقیقی اثر افزوده است. آقای ادالی در ضمیمه‌ای، فهرست افراد برجسته و منابع و مآخذ تأثیرگذار بر آموزه‌های آگوستین در کتاب شهر خدا را ذکر کرده است. این کار نیز در این پژوهش قابل تقدیر و در فهم بهتر آرای وی منشأ اثر است.

در مورد کتاب «شهر خدای آگوستین» اثر ادالی در مقام نقد و بررسی چند نکته قابل توجه است:

۱. بیشتر تفاسیری که در باره کتاب شهر خدای آگوستین نوشته شده است، تأثیر عقاید فلسفه و افلاطون را در آموزه‌های وی مورد مذاقه قرار داده‌اند. از آنجا که پدر آگوستین بت‌پرست و مادرش مسیحی بود و او در دوران جوانی ابتدا از دین مسیحیت دست کشید و به آیین مانی گروید و البته مجدداً به آیین مسیح بازگشت و یکی از مدافعان سرسخت آیین عیسوی گردید، به طور طبیعی احتمال تأثیرپذیری وی از آیین مانوی تقویت می‌گردد. همچنین، بحث مربوط به دوگانگی ماهیت زندگی آدمی که در آرا و عقاید مانی مطرح شده است، با تقسیم‌بندی آگوستین از جامعه آسمانی و جامعه زمینی تطبیق داده شده است. آگوستین در کتاب شهر خدا مبارزه واقعی در جهان

کائنات را پیکار میان جامعه آسمانی و جامعه زمینی می‌داند. جامعه آسمانی یا شهر خدا، شهر پاکی و درستی و صداقت است و شهروندان آن پاکان و صالحان‌اند.

توحید و خداپرستی نماد جامعه آسمانی یا شهر خداست. جامعه زمینی نیز جامعه‌ای است که در آن آلودگیها و پلشتیها و ستم و تعدی فراوان است. جامعه زمینی که نقطه مقابل شهر خدای آگوستین است، جایگاه گناهکاران و راه‌نیافتگان یا طردشدگان از جامعه آسمانی است. این کشمکش میان خیر و شر و تذبذب و وسوسه‌های نفسانی انسان در اتباع یکی از آنها در آیین مانوی نیز مورد توجه واقع شده است. البته آقای ادالی در این کتاب، میان دوگانگی در آیین مانوی و دوگانگی زندگی آسمانی یا شهر خدا از شهر زمینی آگوستین تفاوت‌هایی مشاهده کرده و توضیح می‌دهد.

آقای ادالی به درستی در اثر خود روشن می‌سازد که کتاب شهر خدای آگوستین، سایه‌ای از کتاب مقدس است و حتی در مکاشفات کتاب یوحنا، اورشلیم جدید به شهر خدا و شهر بابل قدیم به شهر شیاطین یا شیطان تعبیر شده است و این اشاره و استعاره الهام‌بخش آگوستین شده است. نکته‌ای که کمتر ذهن آقای ادالی در این پژوهش به آن معطوف شده است، آن است که تقسیم جامعه آسمانی و جامعه زمینی و گرایش و تمایل به اقامت در هر یک از آنها توسط بشر (بر اساس اعمال و رفتار شایسته یا ناشایست) جوهر تمام ادیان توحیدی است. سه دین بزرگ توحیدی یعنی یهودیت، مسیحیت و خاتم آنها یعنی اسلام، دین اکمل، این آموزه‌ها و مفاهیم را در تعالیم خود و با تعبیری گاه مختلف مطرح کرده‌اند. آگوستین بر اساس آموزه‌های کتاب مقدس، ایمان به خدا، عمل صالح و تزکیه و صیقل نفس را مجوز ورود و اقامت در شهر خدا و زندگی ابدی در آن می‌شمرد؛ شهری که پلشتی در آن راه نداشته و ساکنان آن در انواع نعمتهای الهی متنعم‌اند. این معنا در ادیان توحیدی دیگر و روشن‌تر از همه در اسلام و منابع اصلی آن یعنی قرآن و سنت با تعبیری مشابه بیان شده است. همچنین، کشمکش و پیکار انسان برای طرد وسوسه‌های نفسانی و شیطانی و مبارزه برای رحل اقامت افکندن در شهر خدا جوهر تعالیم دینی و اخلاقی اسلامی محسوب می‌شود؛ این کشمکش و این دوگانگی در وجود آدمی در حدی است که رسول گرامی اسلام (ص) آن را سخت‌تر از پیکار با دشمن و خصم بیرونی دانسته‌اند؛ به تعبیر زیبای مولوی در

مثنوی در تفسیر «ارجعنا من الجهاد الاصغر الی الجهاد الاکبر»، (از جهاد کوچک‌تر به جهاد بزرگ‌تر بازگشتم)

ای شهان کشتیم ما خصم برون ماند خصمی زو بتر در اندرون
(مولوی، ۱۳۷۷، ص ۶۴).

در حدیث نبوی نغز و پرمعنایی مفاهیمی را که آگوستین در کتاب شهر خدا در باره شهر آسمانی و شهر زمینی و مراتب خلقت نوشته است، با بیانی دیگر تقریر شده است. توجه به مفاد این حدیث در واقع، مبین دیدگاه و دکترین ادیان توحیدی از جمله مسیحیت و اسلام در باره حیات آدمی در این جهان و سرنوشت او در سرای دیگر و به تعبیر آگوستین در شهر آسمانی است. تأخیر زمانی آیین نبوی در اسلام از اهمیت این پیام مشترک در ادیان توحیدی و ابراهیمی نمی‌کاهد.

مولوی ضمن توجه به این حدیث مهم، با بیانی شیوا، رسا و معنوی، دوگانگی حیات آدمی و تفاوت‌های آدمیزادگان با موجودات دیگر عالم وجود را ترسیم کرده است؛ بر طبق این حدیث نبوی انسان مرکب از عقل و شهوت آفریده شده است؛ برخلاف ملائکه که عقل محض و طهارت و پاکی همیشگی دارند و برخلاف حیوانات که صرفاً اسیر غرائز و شهوات‌اند. از آدمیزادگان نیز کسانی که در زندگانی دنیا عقلشان بر شهوتشان غالب شود، از ملائکه برتر و اگر شهوت بر عقل آنان غلبه پیدا کند، از بهائم پایین‌تر خواهند بود (مولوی، ۱۳۷۷، ص ۶۲۶).

در حدیث آمد که یزدان مجید	خلق عالم را سه دسته آفرید
یک گره را جمله عقل و علم وجود	آن فرشته است او نداند جز سجود
نیست اندر عنصرش حرص و هوا	نور مطلق، زنده از عشق خدا
یک گروه دیگر از دانش تهی	همچو حیوان از علف در فربهی
او نبیند جز که اصطبل و علف	از شقاوت غافل است و از شرف
این سوم هست آدمیزاد و بشر	نیم او زافرشته و نیمیش خر
نیم خر خود مایل سفلی بود	نیم دیگر مایل علوی بود
آن دو قوم آسوده از جنگ و حراب	وین بشر با دو مخالف در عذاب

مولوی از این بخش به بعد با استناد به ادامهٔ حدیث نظریه‌ای را تبیین می‌کند که آگوستین قدیس بر طبق تعالیم مسیحیت در کتاب «شهر خدا» در بارهٔ فرجام آدمیزادگان بیان کرده است و آقای ادالی در کتاب خود، «مقصد و هدف غائی»، به آن پرداخته است.

مولانا با بیانی نغز اشعار می‌دارد:

وین بشر هم ز امتحان قسمت شدند	آدمی شکل‌اند و سه امت شدند
یسک گره مستغرق مطلق شدند	همچو عیسی با ملک ملحق شدند
نقشش آدم، لیک معنی جبرئیل	رسته از خشم و هوا و قال و قیل
از ریاضت رسته و زهد و جهاد	گوییا از آدمی از خود نزاد
قسم دیگر با خران ملحق شدند	خشم محض و شهوت مطلق شدند
وصف جبریلی در ایشان بود رفت	تنگ بود آن خانه و آن وصف رفت
لاجرم اسفل بود از سافلین	ترک اوکن لا احب الأفلین
مانند یک قسم دگر اندر جهاد	نیم حیوان نیم حی با رشاد
روز و شب در جنگ و اندر کشمکش	کرده چالیش اولش با آخرش

(مولوی، ۱۳۷۷، ص ۶۲۷).

۲. سؤال مهم دیگری که در خصوص کتاب «شهر خدای آگوستین» مطرح می‌شود اینکه آیا آگوستین داستان «شهر خدا یا شهر آسمانی» را صرفاً در مورد سرای آخرت ساخته و پرداخته است و یا اینکه شهر خدا را در این جهان به صورت نسبی و به عنوان سایه‌ای از شهر خدای ابدی قابل تحقق می‌داند؟

مخالفان قدرت کلیسا در غرب، عمدتاً نظریهٔ اول را تعقیب کرده‌اند و جامعهٔ آسمانی را مسئله‌ای مربوط به آخرت و برپایی رستاخیز داشته‌اند، اما مدافعان قدرت کلیسا با استفاده از تفسیر آگوستین، برتری دستگاه دینی مسیحیت و کلیسا را بر دولت مورد تأکید قرار داده‌اند و چنین وانمود کردند که کلیسا نمایندهٔ شهر خدا در زمین است و وظیفه و رسالت آن، آماده ساختن آدمیزادگان برای ورود به شهر ابدی الهی یا خدایی است.^۳

البته باید توجه داشت که بعد از هجوم اقوام وحشی که سراسر اروپا را فرا گرفت، تقریباً همه سازمانها و نهادهای دولتی از میان رفت و تا چند قرن، دولت پایدار و منظم و دارای تشکیلات منسجم به وجود نیامد؛ اما روند حوادث مآلاً به سود قدرت کلیسا تمام شد.

هرچند رساله آگوستین، رساله‌ای در حوزه دینی و بخشهایی از آن سایه‌ای از کتاب مقدس است، در عین حال، رساله‌ای با آموزه‌های سیاسی و همچنین، رشحات فلسفی و کلامی است. البته آقای ادالی در اثر گرانسنگ خود به ابعاد سیاسی و مناقشه‌برانگیز دیدگاههای وی در حوزه سیاست کمتر توجه کرده است اما این مسئله از کار خوب وی در معرفی و تلخیص و ترجمه یکی از مهم‌ترین کتب کلاسیک در تاریخ اندیشه دینی و سیاسی نمی‌کاهد.

یادداشتها

۱. فرمانروا و پادشاه اقوام وحشی شخصی بود بنام آلاریک (Alaric) که از ۴۰۱ م در ایتالیا بسر می برد رومیها همواره نسبت به اقوام وحشی و خطر حمله آنان بیمناک بودند .
۲. لازم به یادآوری است که آگوستین دو مرحله متفاوت از زندگی را تجربه کرده است او کتابی به نام اعترافات (Confessions) دارد . چه بسا این کتاب الهام بخش روسو در نگارش کتابی به همین نام چندین سده بعد شده باشد . بخشی از اعترافات آگوستین در مورد مرحله اول زندگانی اش در کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت (۱۳۶۶، عصر ایمان، بخش اول، ص ۸۲) آمده است.
۳. برای بررسی تفاسیر مختلف درباره رساله آگوستین و مناقشات تاریخی ، سیاسی و کلامی پیرامون آن و جهان مسیحیت رجوع کنید به Willey, 1951.

کتابنامه

- دورانت، ویل (۱۳۶۶). تاریخ تمدن؛ عصر ایمان. ترجمه ابوطالب صارمی. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۷). مثنوی معنوی. تهران: انتشارات اقبال.